

بررسی تفسیر آیات «اکمال دین» و «ابلاغ» سوره مائده در تفسیر «بیان معانی در کلام ربّانی»

مجید بابالیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸، صفحه ۶۴ تا ۸۱ صمقاله پژوهشی

چکیده

مصطفی حسینی طباطبائی مؤلف تفسیر چهارده جلدی با نام «بیان معانی در کلام ربّانی» و از عناصر جریان شیعه‌نمای «قرآنیان»، در تفسیر آیه سوم مبارکه مائده معروف به آیه «اکمال دین» و آیه ۶۷ این سوره، مشهور به آیه تبلیغ (ابلاغ)، با ردّ نظرات مفسران شیعه مبنی بر دلالت این آیات بر امامت امام علی (ع)، با ادعای اینکه بر اساس تفسیر قرآن به قرآن و سیاق آیات، این دو آیه ربطی به امامت امام علی (ع) ندارد، مدعی شده سوره مائده به یکباره نازل شده و آیه «اکمال دین» بر اساس روایاتی که سیوطی در کتاب خود آورده، نه در روز «غدیرخم»، بلکه در روز عرفات نازل شده است. بطور کلی او در تفسیر خود سعی نموده آیاتی که دلالت بر نصب الهی امامت را دارد، انکار نماید. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، اثبات شده با فرض اعتبار و اصالت سیاق و چینش توقیفی آیات قرآن، نه تنها این آیات در موضوع امامت با سیاق آیات همخوانی دارد بلکه ارتباط مستقیمی با «آیه ولایت» (۵۷ مائده) دارند و روایات متعددی در حدّ تواتر در شأن نزول این آیات بر امامت امام علی (ع) دلالت دارد و بررسی روایات دیگر در کتب سیوطی نشان می‌دهد، سوره مائده به یکباره نازل نشده و قرائن متعددی مبنی بر نزول آیه «اکمال دین» در روز غدیرخم دلالت دارد.

کلیدواژه‌ها: امامت، غدیرخم، آیه تبلیغ، مصطفی طباطبائی، قرآنیون.

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،

درآمد

در اندیشه اهل سنت از آنجا که نصب امام وظیفه مکلفین است امامت از فروع به حساب می‌آید (جرجانی، ۱۳۵ق، ۳۴۴). اما بر اساس اعتقاد شیعه هیچ عصری بدون وجود امام معصوم نیست و در روایت صحیحی هرکس امام زمان خود را نشانسد به مرگ جاهلیت مرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۳/۷). شیعیان معتقدند که حضرت پیامبرص جامعه‌ی اسلامی را به حال خود رها نکرده و به دستور خداوند، جانشین خود را تعیین فرموده است. درحقیقت امامت عامل قوام نظام اجتماعی و حفظ اساس شریعت است. به‌ویژه اینکه دینی که ادعای رهبری همه‌ی جوامع بشری تا پایان جهان را دارد، نمی‌تواند به این مسئله بی‌تفاوت باشد و مشروعیت دادن به امامت بدون نصب الهی، نوعی پایه‌گذاری تفکیک دین از سیاست است.

هر چند برای ضمانت آخرین شریعت آسمانی خداوند قرآن کریم را برای بشریت تقدیم نموده، ولی تعلیم و تبیین آن را بر عهده پیامبرص گذاشته و برای اینکه بدون تحریف آن، پاسخ‌گوی نیازهای همه انسان‌ها باشد و پس از رحلت او، در معرض تهدید قرار نگیرد، چیزی جز نصب جانشین برای رسول خدا نخواهد بود. جانشینی که دارای علم خدادادی و دارای ملکه‌ی عصمت باشد و نیز بتواند نقش تربیتی پیامبرص را بر عهده بگیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ش، ۳۰۵-۳۰۶).

رسول خدا صص) سیره‌اش بر این بود که هر وقت به قصد جنگ از شهر بیرون می‌رفتند کسی را به جانشینی خود می‌گذاشتند، کما اینکه امام علی ع را در جنگ تبوک جانشین خود در مدینه قرار دادند، علی ع هم که عاشق شهادت بود، عرض کرد: آیا مرا خلیفه و جانشین خود در مدینه قرار می‌دهی؟ با اینکه در شهر جز زنان و کودکان کسی باقی نمانده است؟! پیامبرص فرمود: *أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي* (طبری، ۱۳۸۷ش، ۱۰۴/۳؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۳/۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ۱۹/۵؛ مسلم، بی‌تا، ۱۸۷۰/۴-۱۸۷۱). همچنین آن حضرت در سایر شهرهایی که آن روز بدست مسلمین فتح شده بود مانند مکه و طائف و یمن و امثال آنها جانشینان و حکامی انتخاب می‌کرد، رفتار پیامبر اکرم ص در ایام حیات خود این‌چنین بود حال چگونه است که برای زمان غیبت خود و برای اداره امور امت که احتیاج مردم به والی در زمان غیبت آن جناب بیشتر است از زمان حضورش، هیچ فکری نکرده است؟! (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ۷۰/۶). شیوه‌ی قرآن در طرح بحث امامت، توصیفی است؛ بدین معنا که آیات قرآن به جای ذکر مشخصات فردی امامان، اوصاف امام و ویژگی‌های مقام امامت را ذکر کرده و تطبیق این اوصاف بر مصادیق آن را بر عهده‌ی پیامبرص گذاشته است. گویا در موضوع مهم ولایت و امامت رازی است که آیات بیان‌گر آن، در پوشش آیات دیگر آمده است؛ مانند آیه ولایت و آیه اکمال و تبلیغ که هر سه در سوره مائده آمده است.

طرح مسأله

با این حال مصطفی طباطبائی از عناصر شاخص جریان شیعه‌نما و شبه وهابی «قرآنیان» در کتاب تفسیر خود با نام *بیان معانی در کلام ربّانی* هم سو با عقائد اهل سنت، آیه «ابلاغ، تبلیغ»، آیه «اکمال دین» را با امامت امیرمؤمنان با ادّعی اینک با سیاق آیات تطابق ندارد، منکر شده است. وی در تفسیر آیه سوم مبارکه مائده معروف به آیه «اکمال دین» و آیه ۶۷ این سوره، مشهور به آیه تبلیغ (ابلاغ)، با ردّ نظرات مفسّران شیعه مبنی بر دلالت این آیات بر امامت امام علی (ص)، با ادّعی اینک بر اساس تفسیر قرآن به قرآن و سیاق آیات، این دو آیه ربطی به امامت امام علی (ص) ندارد، مدعی شده سوره مائده به یکباره نازل شده و آیه «اکمال دین» بر اساس روایاتی که سیوطی در کتاب خود آورده، نه در روز «غدیرخم»، بلکه در روز عرفات نازل شده است. وی با این ادّعاها به نوعی نصب الهی در مورد امامان ع را انکار نموده است. در این پژوهش به مناقشه‌ای که مصطفی طباطبائی بر آیات امامت وارد نموده، پاسخ داده شده است.

۱-۲- مصطفی طباطبائی و کتاب تفسیر وی

مصطفی حسینی طباطبائی از جمله عناصر شاخص این جریان در سال ۱۳۱۴ به دنیا آمد. وی از دوستان و همفکران قلمداران و برقی و یوسف و مصطفی شعار است. تفسیر «بیان معانی در کلام ربّانی» نوشته مصطفی طباطبائی نیز که مهم‌ترین تالیف وی است که در ۱۴ جلد در فضای مجازی منتشر یافته و به همراه کتاب تفسیر «تابشی از قرآن» ابوالفضل برقی از مهم‌ترین تفاسیر جریان فکری قرآنیان به‌شمار می‌رود.

مصطفی حسینی طباطبائی در مقدمه تفسیر خود با نام *بیان معانی در کلام ربّانی* روش تفسیری خود را قرآن به قرآن ذکر نموده و با ادّعی اینک بیشتر روایات تفسیری رسول خدا دارای ضعف سند است و روایات تفسیری ائمه شیعه توسط اخباری‌ها تدوین شده و به لحاظ سند و متن غالباً ضعیف و پرداخته‌گالیان است، فاقد حجّیت دانسته، البته مدّعی شده اخباری را که قرائن صحت به همراه دارند و موافقت با ظاهر قرآن و عقل هستند در تفسیر قرآن بهره برده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

علیرغم اینکه تاکنون پژوهش‌های فراوانی در خصوص آیات امامت و ولایت صورت گرفته، ولی پیرامون نظرات تفسیری مصطفی طباطبائی در حدّ اندکی صورت گرفته و تا این لحظه هیچ کتاب و رساله‌ای مستقل در نقد تفسیر چهارده جلدی وی به‌نام «بیان معانی در کلام ربّانی» به ویژه تفسیر آیات امامت، تالیف نشده است.

در نقد دیگر آثار مصطفی طباطبایی کتاب «بررسی و نقد مبانی فکری و اعتقادی جریان شبه سلفی در ایران با تأکید بر آرا و عقاید مصطفی طباطبایی» اثر محمد ملک‌زاده تألیف شده است. رساله‌ی دکترای سید محمد یزدانی با عنوان «واکاوی اندیشه‌های سید مصطفی حسینی طباطبائی» نیز در نقد فایل‌های صوتی موجود از مصطفی طباطبائی در فضای مجازی، تدوین شده است. یکی از همفکران قبلی وی به‌نام محمد تقی حسینی ورجانی کتابی تحت عنوان «موحدان سلفی و کتاب خدا» در نقد تفسیر وی تألیف نموده که بحث بررسی آیات امامت در آن نیامده است.

۲- نظرات مصطفی طباطبائی در مورد آیات امامت

۲-۱- آیه تبلیغ (ابلاغ)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. روایات شیعه در این زمینه به قدری است که نزول آن در باره‌ی غدیر از مسلمات شیعه است. در عین حال در کتابهای مختلفی که دانشمندان اهل تسنن، اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ نوشته‌اند، روایات زیادی دیده می‌شود که با صراحت می‌گوید: آیه تبلیغ درباره علی ع نازل شده است، که در ادامه مطلب خواهد آمد.

مصطفی طباطبائی با توجه به مفاد آیات پیشین و سیاق آیات، فرمان به ابلاغش را همان تذکرات به اهل کتاب می‌داند و معتقد است مسلمانان در آن زمان از جانب مسیحیان مورد تهدید بودند، لذا خداوند پیامبرص و رسالت او را از شرّ حملات اهل کتاب حفظ خواهد کرد. سپس بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به روایات شأن نزول این آیه، اظهار می‌کند: «این آیات توسط مفسران شیعه، تفسیر خاص یافته و به جانشینی امام ع بعد از پیامبرص تعبیر شده است. البته بحث تاریخی از حوزه‌ی کار ما در این مجموعه خارج است، ولی چنین برداشتی ارتباط آیات را مختل و با سیاق آیات هماهنگی ندارد» (مصطفی طباطبائی، بی تا، ۵۵/۳).

بررسی و نقد

الف) بررسی روایی

علامه امینی در کتاب گران‌قدر خود «الغدیر» ۳۰ نفر از مفسران و محدثان اهل سنت همچون طبری، ثعلبی، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، واحدی نیشابوری، ابن عساکر، سیوطی، فخر رازی و سیوطی را که در کتاب‌هایشان از طرق مختلف مانند ابی سعید خدری، زیدابن ارقم، ابن عباس، ابن مسعود،

عطیه، جابر انصاری، ابی هریره، امام باقرع، امام صادق ع، روایات شأن نزول آیه بلیغ را در خصوص علی ع باذکر جزئیات آورده است (امینی، ۱۴۱۴ق، ۱/۲۱۴-۲۲۳).

همچنین در کنکاش و جستجویی که در کتاب‌های علمای اهل سنت فوق صورت گرفت؛ علاوه بر اینکه ذکر شده این آیه درباره‌ی امام علی ع نازل شده، روایت‌های دیگری مبنی بر اینکه این آیه در غدیر خم نازل شده وجود دارد (ابن عساکر، بی تا، ۲۳۸/۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۱۷/۳؛ قندوزی، بی تا، ۱۱۹/۱) و سپس قسمت‌های مهم خطبه پیامبرص در روز غدیر خم مانند «ألست أولى بالمؤمنین من أنفسهم، فلما نزلت الآية أخذ بيد علی ع، فقال: صمن كنت مولاة فعلی مولاة». در آن‌ها ذکر شده است (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ۲۳۹-۲۴۰؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ۲۴۹-۲۵۶؛ ثعلبی، ۹۲/۴). یا در برخی تبریک عمر بن خطاب به امام علی ع آمده که به ایشان گفت: «أصبحت مولی کل مؤمن: یا علی مولای هر مومنی شدی» (فخر رازی، ت ۱۴۲ق، ۵۰/۱۲؛ ابن عساکر، بی تا، ۲۳۸/۴۲). این سه جمله اخیر در کنار هم دلالت می‌کند منظور از مولی در خطبه‌ی غدیر ولایت تصرف و جانشینی آن حضرت است و سایر معانی مولا مد نظر نیست.

در کتاب واحدی نیشابوری از علمای قرن پنجم اهل سنت که روایات اسباب نزول آیات مختلف را گردآوری نموده نیز به نزول این آیه در روز غدیر از قول ابو سعید خدری اشاره شده است: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ يَوْمَ «غَدِيرِ خُمٍّ» فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۱/۲۰۴).

جالب این است که در کتاب سیوطی مفسر اهل سنت از قول ابن مسعود آمده: در زمان پیامبر ص این آیه را این‌گونه قرائت می‌کردیم: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» أَنْ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ «وَأَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۷/۳). شاید شأن نزول این آیه در زمان پیامبر ص آن چنان برای اصحاب پیامبر، مبرهن بود که این آیه را همراه شأن نزول آیه قرائت می‌نمودند.

ب) بررسی سیاق آیات

با توجه با اینکه روش تفسیری مصطفی طباطبائی قرآن به قرآن ادعا شده، حال اگر مبنای روش تفسیری وی را قبول کنیم و توقیفی بودن ترتیب آیات را بپذیریم؛ برخلاف ادعای وی سیاق آیات خود نیز نشان می‌دهد دسیسه‌های اهل کتاب مرتبط با جانشینی پس از رحلت پیامبر ص بوده و آیه تبلیغ که به دستور پیامبرص پس از آیات مربوط به ولایت علی ع گنجانده شده، هر چند بصورت مستقل نازل شده و با آیات پیش و پس هم سیاق نیست ولی انسجام معنایی آیات سوره مائده

نشان می‌دهد آیه «ولایت» با آیه «تبلیغ» ارتباط دارد و بی‌پیوند نیست و مصطفی طباطبائی فقط به آیه قبل از آیه ابلاغ توجه نموده و به آیات پیشین آن توجه ننموده است؛

بدین ترتیب که از آیه ۵۱ مائده، ولایتی با یهود و نصارا را نفی می‌کند و انسان را در شمار یهودیان و مسیحیان قرار می‌دهد (وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ) و در زمره ظالمان به حساب می‌آورد که صرف دوستی بدون پذیرفتن مولویت آنها و تن دادن به ذلت موجب شمولیت این آیه به مسلمانان نمی‌شود. سپس در آیات ۵۲ و ۵۳ سرانجام بیمار دلان یصمنافقانی که از بین مسلمانانی که این نهی را نافرمانی کرده ذکر می‌کند. بعد در آیه ۵۴ مائده هشدار جدی می‌دهد که اگر این ولایت پذیری دشمنان به حدی برسد که از دین اسلام به سوی آنها برگردند، به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند جایگزین خواهد نمود. مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ این آیه مشخص می‌کند که منظور از این ولایت، صرف دوستی و یا ولایت نصرت نیست بلکه فراتر از آن است زیرا در این صورت مرتد نمی‌شدند، همچنان که در آیات دیگری خط قرمز ارتباط با کافران را تسلط آنها بر مسلمانان بیان می‌کند: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيْلًا نَسَاء: ۱۴۱). مصطفی طباطبائی نیز با اذعان به اینکه چون این سوره از سوره‌های اواخر عمر پیامبر ص است خداوند در این آیه اتمام حجت کرده یعنی اگر بعد از وفات پیامبر، مسلمانان از دین خدا برگردند، گروهی را که مطلوب اوست جایگزین خواهد ساخت (حسینی طباطبائی، بی تا، ۴/۴۷).

سپس در آیه ۵۵ و ۵۶ (آیات ولایت) خداوند مرز ولایت‌پذیری را به مؤمنان ترسیم می‌نماید و سرانجام مؤمنینی که این نوع ولایت را بپذیرند ذکر می‌کند. در آیه ۵۷ مائده اولیاء قرار دادن اهل کتاب و کفاری نهی می‌کند که دین خدا را به سخریه و بازی می‌گیرند: لَا تَتَّخِذُوا الدِّينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الدِّينِ اَوْ تُوَا اَلْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَارَ اَوْلِيَاءَ. در ادامه در آیه ۵۸ منظور از سخریه گرفتن آنها را توضیح می‌دهد: وَاِذَا نَادَيْتُمْ اِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوْهَا هُزُوًا وَلَعِبًا، بعد در آیه ۵۹ مائده بر فاسق بودن اکثر اهل کتاب و کینه آنها به مسلمانان علیرغم ایمان مسلمانان به کتاب خود و کتاب آنها اشاره می‌کند: هَلْ تَتَّقُمُوْنَ مَنَا اِلَّا اَنْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَاَنْ اَكْثَرَكُمْ فٰسِقُوْنَ.

از آیه ۶۰ تا ۶۴ به فساد قوم یهود اشاره می‌کند و از آیه ۶۵ تا ۶۶ مائده گوشزد می‌کند اگر به دستورات تورات و انجیل و قرآن گوش بدهید خداوند از گناهانتان گذشته و برکات آسمان و زمین را خواهند خورد، ولی با این وجود در آخر به مسلمانان می‌گوید: مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيْرٌ مِنْهُمْ سَآءٌ مَا يَعْمَلُوْنَ و بسیاری از آنها بدکردارند. لذا در آیه ۶۷ مائده (آیه تبلیغ) دستور می‌دهد تا پیامبر (ص) ابلاغ کند انحصار ولایت به خدا و پیامبر و بعد از او ادامه دهنده ولایت علی ع است و دست علی ع را بلند کرده و بگوید: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة»، تا تنها دریچه‌ی امید به بازگشت دین و

ولایت بعد از مرگ پیامبر ص) به سوی یهود و نصاری بسته شود و آنها از روی آوری مجدد مسلمانان به آنها مایوس شوند: الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ و...

ج) بررسی تاریخی

اما این چه اتفاق مهمی است که در صورت عدم ابلاغ آن گویی رسالتی صورت نگرفته است، در حالی که بخش عمده‌ای از قرآن تا آن روز نازل شده بود.

آیه بلیغ را نمی‌توان ناظر به مسائل اهل کتاب تلقی کرد، زیرا بسیاری از هشدارهای جدی و توبیخ‌ها و انحرافات آنها پیش از نزول این آیه در سوره‌های مدنی به اهل کتاب گوشزد شده و با لحنی عتاب‌آمیز همچون... فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (بقره: ۶۵) و... وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ.. صبقره: ۶۱). همچنین زمانی خداوند وعده‌ی محافظت از خطر به پیامبر ص می‌دهد که یهود با میل خود با پیامبر ص صلح کرده و نصاری با دادن جزیه به حکومت اسلامی در کنار مسلمانان زندگی می‌کند اگر قرار بود وعده حفظ جان به ایشان داده شود، همان سال‌های اول هجرت که عده‌ی مسلمانان کم و اطرافش را یهودیان محصور کرده بودند و کمک‌کار و پشتیبان مشرکان بودند صاحبزاد: ۲۶) و با کینه‌ی تمام جنگ خیبر را به‌راه انداختند، این وعده داده می‌شد (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ۶۰-۶۱).

از سویی دیگر پیامبر ص ماموریت‌های سخت و خطرناک‌تری از مسئله اهل کتاب در بیست و سه سال مواجه بود همانند شب ليله المبيت که احتمال قتل پیامبر ص زیاد بود ولی برای شخص خود نترسید، از این‌رو نشان می‌دهد رسول خدا برای خود نمی‌ترسید بلکه از توطئه و فتنه‌انگیزی برخی منافق صفت می‌ترسید (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ۲۲/۲۸۲). ترس از متهم نمودن پیامبر ص بر ظاهرسازی و مسلط نمودن خاندان خود همانند پادشاهان، چنانکه علامه مجلسی اتفاقات بعد از این انتصاب الهی در غدیر خم و اتهام‌زنی منافقان بر پیامبر اکرم ص را تجمیع نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۷/۱۷۲-۱۷۵). آن حضرت پسر عمو و وداماد پیامبر ص بود، بنابراین زمینه اتهام فراهم بود که عده‌ای بگویند پیامبر به‌خاطر نسبت خویشاوندی او را به جانشینی خود منصوب نموده است و امر خدا نیست. البته جریان شخصی کردن دستورات رسول اکرم ص جریانی نبود که تازگی داشته باشد، این موضوع در گفتمان قرآن کریم هویدا است: وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم: ۳-۴).

۲-۲- آیه اکمال دین

الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأْتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده: ۳)؛

امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین صجاودان) شما پذیرفتم.

مصطفی طباطبائی در باره‌ی این آیه بدون اشاره به روایات شأن نزول آن با دو روش بررسی سیاق آیات و استناد به روایات و گزارشات تاریخی که به نفع عقائد خود است دیدگاه تشیع را ردّ نموده و اظهار می‌کند: «در غالب تفاسیر شیعه این آیه‌ی شریفه را به ولایت امام علی ع مربوط دانسته‌اند و گفته‌اند که وقتی پیامبر ص هنگام بازگشت از حجه الوداع در غدیر خم علی ع را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، آیه‌ی فوق نازل شد». سپس وی به سه دلیل این شأن نزول را دارای اشکال می‌داند.

اولاً منطقی نیست که ادعا کنیم خداوند به دنبال ذکر پاره‌ای محرمات به یکباره از ولایت علی ع سخن گوید و این قول ارتباط عبارات درون آیه را برهم می‌زند. یوسف شعار از همفکران وی نیز چنین گفته است (شعار، ۱۳۶۹ ش، ۱۳۸).

ثانیاً، گفته‌ی فوق با حدیثی که در مجمع البیان آمده که سوره‌ی مائده به یکباره بر پیغمبر نازل شد، نمی‌خواند.

ثالثاً آیه‌ی شریفه ضمن حجه الوداع در عرفات نازل شد، چنانچه سیوطی در تفسیر الدرالمختور گزارش نموده است.

بررسی و نقد

الف) بررسی سیاق آیه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحِمُّ الْخَنْزِيرُ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّبَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأْتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: ۳)

در این آیه طعام‌های حرام بیشتر از آنچه در آیه ۱۷۳ سوره بقره، آیه ۱۴۵ انعام و آیه ۱۱۵ نحل است ذکر نشده و مردار در گذشته حرام شده بود و در این آیه فقط مصادیق مردار ذکر شده است، پس نمی‌توان مراد از اکمال دین را بیان تفصیلی محرمات و مایوس شدن کفار از آن دانست. همچنین بین جمله مستثنی منه صذکر محرمات) و مستثنی (موارد اضطرار) در سه آیه فوق هیچ فاصله‌ای

نیست، در حالی که در وسط آیه سه سوره مائده با فرض قبول توقیفی بودن ترتیب آیات به دستور پیامبرص، این جمله‌ی معترضه صآیه اکمال دین) قرار گرفته است و اگر قسمت میانی آیه (آیه اکمال) را برداریم کوچک‌ترین لطمه‌ای به ارتباط قسمت اول با سوم نمی‌زند.

همچنین برای تحقق سیاق آیات حداقل دو شرط ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول و نیز ارتباط موضوعی لازم است. از سویی دیگر توقیفی بودن آیات در بین دانشمندان علوم قرآن مورد اختلاف است ولی با فرض اعتبار و اصالت سیاق و چینش توقیفی، در صورتی دلیل وجود سیاق می‌شود که تنها علت آن، ارتباط سیاقی آیات باشد که باز دلیل متقنی بر این مدعا وجود ندارد و شرط پیوستگی در نزول برای تحقق سیاق آیات لازم است. البته حتی اگر بین آیات یک سوره ارتباط صدوری هم وجود نداشته باشد در مدلول و مفاد یکدیگر تأثیر دارند ولی این تأثیر غیر از سیاق که از نوع قراین پیوسته است، بلکه از قراین ناپیوسته است. همچنین ملاک قرینه بودن سیاق، زمانی است که جمله‌های نامتناسب از خداوند حکیم و دانا در موضوع واحد باشد. لذا اگر یک یا چند جمله معترضه بین جمله‌ها قرار گیرد، نمی‌توان به لحاظ سیاق، در معنای ظاهر جمله‌های متعرضه تصرف کرد (بابایی، ۱۳۸۸ش، ۱۲۸-۱۳۶).

البته اگر مبنای روش تفسیری مصطفی طباطبائی را بپذیریم و قبول کنیم این چینش به دستور پیامبر اکرم ص بوده است باید انسجام معنایی آیات با یکدیگر و وحدت موضوعی سوره به عنوان قرینه ناپیوسته حفظ گردد و حتماً مصلحتی بوده که پیامبرص فرمان داده آیه اکمال در قسمت میانی آیه سه مائده باشد. لذا با فرض توقیفی بودن آن، علیرغم مستقل بودن نزول آیه اکمال دین، با این وجود وحدت موضوعی در بین آیات پسین و پیشین آیه اکمال وجود دارد. با تأمل در این آیات این برداشت می‌شود که خداوند در این آیات، نعمت‌ها را از حسی به معنوی ذکر می‌کند و در این میان آیه اکمال را برای توجه دادن مردم به نعمت بزرگ ولایت (وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) جلب می‌کند. از همین رو است که در روایات نیز وقتی از امامان ع در مورد آیه *ثُمَّ لَتَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ* پرسیده می‌شود ایشان نعمت ولایت را به عنوان ارزنده‌ترین مصادیق نعمت که در قیامت پرسیده می‌شود، بیان می‌کنند (بحرانی، ۱۳۷۴ق، ۷۴۶/۵-۷۵۰). در ادامه آیه اکمال دین نیز خداوند می‌فرماید: «فلا تخشوه و اخشون» یعنی از این به بعد از کفار نترسید از من بترسید که دین شما را اخذ نکنم و دین و نعمت موهوبه ولایت را از شما به کفران اخذ نکنم. از کفار نترسید زیرا با چاره‌اندیشی، راه نفوذ آنها را بستم و از شرارت آنها درباره‌ی دینتان ایمنی بخشیدم.

مصطفی طباطبائی با رد دیدگاه تشیع و بی‌توجهی به روایات شأن نزول، اشاره به این مطلب نکرده که اگر این آیه در واقعه‌ی عظیم غدیر خم نیفتاده، پس این آیه در روز عرفه در پی چه واقعه‌ی

مهمی نازل شده است و چه رابطه‌ای بین مایوس شدن کفار از دین اسلام با نزول این قسمت از آیه وجود دارد؟

ب) بررسی نقلی و تاریخی

نکته‌ای که در تحلیل آیه اکمال باید نظر گرفت این است که در این آیه یأس از دین مطرح شده و نه یأس از مسلمانان، از این رو کافران پیش از نزول این آیه، برای نفوذ و رخنه در دین و نابودی آن امید داشته‌اند و گرنه قرآن از این یأس سخن نمی‌گفت (نجم‌زادگان، ۱۳۸۳ش، ۳۳۷). برخی آیات سوره‌های مدنی پرده از نیت شوم و هدف دشمنان خدا بر می‌دارد و یأس آنها را نه برای کامل‌تر شدن احکام حلال و حرام؛ بلکه آنها به غیر از تابع شدن به آیین آنها به چیزی نمی‌اندیشند: وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ... (بقره: ۱۲۰) و آرزوی برگشت مسلمانان از دین خود را دارند: وَ دَكَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا... (بقره: ۱۰۹) آنها یک نقطه امید مهمی داشتند و آن انتظار مرگ پیامبر ص و نداشتن فرزند پسر بود که با شنیدن جانشینی بعد از پیامبر ص از هدف خود مایوس شدند.

سوره‌ی کوثر نشان می‌دهد دشمنان پیامبر ص از اینکه وی فرزندی نداشت به او طعنه زده و امیدوار بودند پس از رحلت پیامبر ص جانشینی نداشته باشد اما نمی‌دانستند که خداوند به او دختری خواهد داد که کوثر است و او و همسرش علی ع نسلی خواهند داشت که حافظ دین محمدی خواهد شد.

یکی از قرائنی که تبیین‌کننده‌ی وضعیت و موقعیت نزول آیه‌ی اکمال است، نزول این آیه در آخرین حج رسول خدا معروف به حجه الوداع است. پس از انجام مناسک حج رسول خدا ص خطبه‌ای خواندند که قسمت‌های مهم این خطبه در منابع شیعه و سنی آمده است. برخی از جملات این خطبه نشان می‌دهد عبارت «من كنت مولاة فهذا عليّ مولاة» در رابطه با جانشینی بعد از رسول خدا است. از جمله این سخنان وجود حدیث ثقلین (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي...) در این خطبه است که از طرق مختلف و با الفاظ نزدیک به هم نقل شده است (ابن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۵۸۵/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۸۸/۱۱؛ طبرانی، بی‌تا، ۱۶۶/۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۱۸۷/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۴۱/۱۵؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰ق، ۶۴۴/۲؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ۳۱۰/۷؛ ابن‌المغازلی، مناقب امیر المؤمنین علی، ۱۷۰/۱) و این حدیث به متواتر و صحیح‌السند است و صحیح بودن آن در کتب اهل سنت نیز اشاره شده است (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۷۰/۱۷؛ آل‌بانی، ۱۴۱۲ق، ۳۵۶/۴). این موضوع نشان‌گر این است که رسول اکرم ص از رحلت قریب الوقوع خود مطلع بوده و به نوعی این سخنان به عنوان وصیت آخر پیامبر ص به مردم است.

همچنین در کتب قدیمی اهل سنت نیز آمده که مردی یهودی به عمر بن خطاب گفته که در کتابتان آیه‌ای نازل که اگر بر ما یهودیان نازل می‌شد آن روز را عید می‌گرفتیم. سپس عمر می‌پرسد آن کدام آیه است؟ در جواب می‌گوید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۳۲۰/۱؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ۱/۱۸). این روایت خود قرینه‌ای است که اهمیت آن روز را نشان می‌دهد و هم محتوای این خبر نشان می‌دهد آیه اکمال خود آیه‌ای مستقل نازل شده است.

نتیجه این که مقصود از اکمال دین، تکمیل اساس دین است نه فروع آن لذا می‌بینیم خداوند به پیامبر ص می‌فرماید: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته»، یعنی اگر امامت و جانشینی پس از خود را اعلام نکنی گویا رسالت را تمام نکرده‌ای.

در پاسخ به شبهه دوم نیز باید گفت مصطفی طباطبائی از این همه روایات شأن نزول آیه‌ی اکمال دین چشم‌پوشی نموده ولی روایتی که در مجمع البیان آمده و در آن به نازل شدن یکباره‌ی سوره مائده بر پیامبر اشاره شده است، بدون بررسی سند آن - چون به نفع عقائد خود است - به آن استناد نموده است. این در حالی است که در یکی از معروفترین کتب علوم قرآنی یعنی الاتقان فی علوم القرآن سیوطی که بخشی از آن به شرح سوره‌هایی که به یکباره بر پیامبر ص نازل شده، اختصاص داده شده؛ ردّپایی از سوره مائده دیده نمی‌شود (سیوطی، ۱۳۸۴ش، ۱/۱۴۳).

در پاسخ به شبهه سوم نیز باید گفت، مصطفی طباطبائی برای اینکه ثابت کند این آیه در عرفات نازل شده به حدیثی که به نفع نظرات خود است، از کتاب الدرالمشور سیوطی نقل می‌کند ولی به چندین حدیثی که در همین کتاب به نزول این آیه در ۱۸ ذی الحجّه و روز غدیر خم به نقل از ابن مردویه و ابن عساکر و خطیب بغدادی نقل کرده، اشاره نمی‌کند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ هَبَطَ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ بَهْدَةُ الْآيَةِ {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ} عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانَ عَشْرَةَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كُتِبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَهُوَ يَوْمُ غَدِيرِ خَمٍّ لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: "أَلَسْتُ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؟"، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ"، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخٍ بَخٍ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَانزَلَ اللَّهُ: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ} (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۳؛ خطیب بغدادی؛ ۱۴۱۷ق، ۲۲۱/۹؛ ابن عساکر، بی تا، ۲۳۴/۴۲ و ۲۳۳).

سیوطی در تفسیر خود از ابن جریر آورده: پیامبر ص پس از نزول این آیه بیش از هشتاد و یک روز عمر نکردند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۶/۳ و ۲۰). با این حساب اگر فرض شود بنا به ادعای مصطفی طباطبائی به نقل از سیوطی این آیه در روز عرفه نازل شده، فاصله بین نزول آیه و رحلت

پیامبر نود یا نود و یک روز خواهد شد که بر خلاف تصریح خود اهل سنت است و این گفته‌ی سیوطی، به هیجده ذی الحجه (روز غدیرخم) منطبق است تا روز عرفه.

از سویی دیگر برخی از احکام مانند ارث «کلاله» پس از روز عرفه نازل شده است لذا کامل شدن دین در آیه اکمال ربطی به تمام شدن احکام الهی ندارد. چنانچه خود سیوطی نقل کرده: وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَالْبُخَّارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَأَبْنُ الضَّرِيرِ وَأَبْنُ جَرِيرٍ وَأَبْنُ الْمُنْدَرِ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّلَائِلِ عَنِ الْبِرَاءِ قَالَ: آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ كَامِلَةً صَبْرَاءَةً) وَآخِرُ آيَةٍ نَزَلَتْ خَاتَمَةً سُورَةَ النِّسَاءِ {يُسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكُلِّالَةِ} (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۷۵۹/۲). یا احکام ربا نیز پس از روز عرفه نازل شده است (صباحانی، ۱۳۹۷ش، ۶۳).

ابن مردویه علاوه بر حدیثی که سیوطی گفته حدیث دیگری را از طریق دیگر، نقل نموده است: عن مجاهد، قال: نزلت هذه الآية بغدير خم، فقال رسول الله ص: «الله أكبر على إكمال الدين، وإتمام النعمة، ورضا الرب برسالتى، والولاية لعلى». سپس از قول شاعر معروف حسان بن ثابت آورده: ائذن لى يا رسول الله أن أقول أبيتا. قال: " قل ببركة الله تعالى"، فقال حسان بن ثابت: يا معشر مشيخة قريش، اسمعوا شهادة رسول الله ص ثم قال: يناديهم يوم الغدير نبهم * بنخم وأسمع مناديا بأنى مولاكم نعم ونبكمم * فقالوا ولم يبدوا هناك التعاميا إلهك مولانا وأنت ولينا * ولا تجدن فى الخلق للأمر عاصيا فقال له: قم يا على، فإننى * رضيتك من بعدى إماما وهاديا (ابن مردویه، مناقب على بن ابيطالب، ۲۳۱-۲۳۳؛ ابن البطريق، بی تا، ۹۴/۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ۱۳۶)

حسکانی مفسر قرن پنجم اهل سنت بیش از ۵ روایت باطرق مختلف از جمله این روایت را نقل می‌کند: عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَا النَّاسَ إِلَى عَلِيٍّ فَأَخَذَ بَصْبَعِيهِ فَرَفَعَهُمَا - ثُمَّ لَمْ يَقْتَرِفَا حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِيْمَانِ النَّاسِ - وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ ثُمَّ قَالَ لِلْقَوْمِ: مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَعَلَيُّْ مُوَلَّاهُ (حسکانی، شواهد التنزيل، ۲۰۰-۲۰۸؛ ابن البطريق، بی تا، ۹۳/۱؛ حموی الجوينی، بی تا، ۷۳/۱).

لذا می‌بینیم گروهی از صحابه و تابعینی مانند ابو سعید خدری، ابوهریره، مجاهد مکی، جابر بن عبدالله انصاری و زیدبن ارقم آیه اکمال دین را به واقعه غدیرخم مربوط دانسته‌اند (صبحانی، ۱۳۹۸ش، ۱۶۳).

علمای تشیع دلایل مختلفی را به دلیل قرار گرفتن آیه اکمال دین، در لابه‌لای احکام مربوط به گوشت‌های حلال و حرام ذکر نموده‌اند، برخی علت آن را پنهان نگه داشتن آیه به دلیل حساسیت افرادی درباره‌ی خلافت و جانشینی رسول خدا به حدی که هنگام نوشتن وصیت‌نامه توسط پیامبر اسلام، وی متهم به هذیان‌گویی کردند (صبحانی، ۱۳۹۸ش، ۶۸). برخی نیز علت آن را استفاده از

قاعده استطراد برای برجسته نمودن آیه‌ی اکمال دین و جلب توجه بیشتر دانسته‌اند. اما جدا از اینکه پیامبر ص چرا دستور داده این آیه را در لابه‌لای احکام مربوط به طعام‌های حلال و حرام قرار گیرد، مطلب مهم این است که روایاتی که بیانگر شأن نزول آیه سوم مائده است، همه آنها بر نازل شدن فقط قسمت میانی آیه در روز غدیر یا عرفه تأکید دارد که این خود دلیل بر استقلال نزول این قسمت از آیه سوم مائده است.

علامه طباطبائی با بررسی سیاق آیه ابلاغ در خصوص این احتمال می‌گوید: «در آیه ابلاغ (یا ایها الرسول بلغ...) از خود آن مطلبی که باید تبلیغ شود اسم نبرده، تا هم به عظمت آن اشاره کرده باشد و هم به آن چیزی که لقب رسالت به آن اشاره داشت، اشاره کند، یعنی بفهماند که این مطلب امری است که پیامبر خدا ص در آن هیچ‌گونه اختیاری ندارد، بنابراین، در آیه شریفه دو برهان بر سلب اختیار از ایشان در تبلیغ کردن و یا تأخیر در علنی کردن آن برای عموم اقامه شده است... بنابراین احتمال دارد تشریح امر ولایت چند روز قبل از غدیر یعنی روز عرفه بوده، ولی پیامبر ص به خاطر نگرانی از اظهار عمومی آن، تبلیغ آن را به تأخیر می‌انداخت، تا اینکه آیه ابلاغ نازل شد و پیامبر ص آن را علنی نمود. در این صورت برخی از روایات که نزول آیه اکمال را همزمان با تبلیغ ولایت در روز غدیر آمده شاید مراد از نزول، تلاوت آن باشد و یا دو بار نازل شده است.» (طباطبائی، تفسیر ۱۳۷۴ش، ۷۱/۶). سبط ابن الجوزی نیز با ذکر روایتی از حبشون احتمال نازل شدن این آیه در دو روز غدیر و عرفه خبر داده است (سبط ابن الجوزی، بی تا، ۲۶۵/۱).

آیه «لا ینال» سندی دیگر برای اثبات نصب الهی امامت

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره/ ۱۲۴)

«هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من صنیع امامانی قرار بده!» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد!»

این آیه به صراحت نشان می‌دهد امامت جعل الهی است. در این آیه علاوه بر به‌کار رفتن ماده «جعل» تعبیر از امامت به «عهدی» شاهد دیگری است در این آیه که امامت، امری الهی است و نصب امام در حوزه اختیارات خداوند است. مقصود از عهد الهی آن دسته از دستورهای مهم است که مراقبت آنها در خور اهمیت است، مانند: اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ (یس: ۶۰). لذا این آیه نشان می‌دهد امامت عهد خداست نه عهد و حق مردم (جوادی آملی، ۱۳۶۷ش، ۱۷۴).

این آیه به صراحت بیان می‌کند مقام امامت به ظالمان نمی‌رسد. به کار رفتن الف لام در ظالمین، هر نوع ظلم را بیان می‌کند. در آیه ای دیگر شرک به عنوان یکی از مصادیق اصلی ظلم شناخته شده است: *إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ* (لقمان: ۱۳). از این رو است که در روایات دیده می‌شود یکی از دلایل رسیدن به مقام امامت و وصایت حضرت پیامبرص و امام ع خداپرست بودن ایشان است: *قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): فَانْتَهتِ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَإِلَى أَحِي عَلِيٍّ لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِنَّا لِنَسَمِ قَطُّ، فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا، وَعَلِيًّا وَصِيًّا (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۳۷۹/۱؛ حاکم حسکانی، بی تا، ۱۲/۱؛ ابن المغازلی شافعی، بی تا، ۳۴۳).* این دعا به من و برادرم علی رسید، هیچ یک از ما هرگز به بتی عبادت نکردیم، پس خدا مرا پیامبر و علی را وصی قرار داد.

البته مصطفی طباطبائی ذیل این آیه اعتقاد صریح خویش را در مورد امامت چنین آورده است: «مقام پیشوائی که در آیه گفته شده همان مقام نبوت است» (حسینی طباطبائی، بی تا، ۸۷/۱). وی در حقیقت با این استدلال، همانند آیات امامت که ذکر شد، نصب الهی را در مورد مقام امامت ردّ نموده است. این در حالی است که این آیه دلالت دارد بر اینکه امامتی که خدا به او بخشید، بعد از امتحان-هایی بوده که خدا از او کرد (*وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ*) و این امتحانات همان انواع بلاهایی بوده که در زندگی بدان مبتلا شده و قرآن کریم به آنها تصریح کرده که روشن‌ترین آنها، داستان سر بریدن فرزندش اسماعیل به امر خدا بوده است. همچنین عبارت *وَمِنْ ذُرِّيَّتِي* بعد از عبارت *قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا* نشان می‌دهد اگر داستان امامت قبل از بشارت فرشتگان به تولد اسماعیل و اسحاق بود ابراهیم علمی به اینکه صاحب ذریه می‌شود، نمی‌داشت. *قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَنِي الْكَبَرُ: «ابراهیم گفت: آیا مرا در این سن پیری مژده فرزند می‌دهید؟» (حجر: ۵۴)؛* از این رو خدای تعالی مقام امامت را در اواخر عمر حضرت ابراهیم و بعد از تولد حضرت اسماعیل و بعد از نبوت ایشان اعطاء نموده است. این مقام نصب الهی است و به هر کسی اعطاء نمی‌شود. *قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ۲/۱ - ۴۰۴).*

گروهی از مفسران اهل سنت نیز با ذکر نظر برخی بزرگان سلف اهل سنت، مراد از «عَهْد» در این آیه را نه نبوت بلکه امامت دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱۸۴/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱۰۸/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۲۸۸/۱).

واپسین نکته این که گرایش مصطفی طباطبائی به قرآن بسندگی حتی از استادش شریعت سنگلجی نیز افراطی‌تر است. این در حالی است که شریعت سنگلجی استنباط از قرآن بدون سنت را جایز نمی‌داند و معتقد است باید در فهم قرآن به سنت مراجعه کرد. سپس با ذکر حدیث ثقلین، مراد از عترت را ائمه از اهل بیت ع می‌داند و ایشان را بیان‌کننده سنت و عین سنت می‌داند (سنگلجی،

بی تا، ۴۰). همین گرایش به آموزه‌های وهابیت و گرایش به قرآن‌بسندهی مصطفی طباطبائی را به جایی می‌رساند که همانند اهل سنت آیات امامت و ولایت را نفی می‌کند، این در حالی است که حیدر علی قلمداران از دوستان و همفکران او مسئله امامت و تواتر و اشتها یوم الغدیر را کالشمس فی رابعه النهار می‌داند و معتقد است: «نیازی به شور و اجماع نبود زیرا علی بن ابی طالب به نص قرآن نفس پیغمبر بوده و اعلم و اتقی و اشجع ملت بر دیگران عقلاً و نقلاً است و نباید آن حضرت را گذاشته و دیگری را بر خلافت برمی‌گزیند (قلمداران، ۱۳۳۹ ش، ۶۳). به راستی باید پرسید در ماجرای غدیر پیامبر گرامی اسلام کاروان زائران خانه‌ی خدا را در سرزمینی بی‌آب و علف، آن هم در نیم‌روزی گرم، متوقف ساخت تا فقط دوستی امیرمومنان را بگوید؟!». قرآن نیز تقدیم مفضول بر فاضل را عمل قبیحی می‌داند: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى (یونس: ۳۵): آیا آن که به راه حق رهبری می‌کند سزاوارتر به پیروی است یا آن که خود هدایت نیابد مگر آنکه هدایتش کنند؟ لذا اختلاف شیعه با اهل تسنن و افرادی مانند مصطفی طباطبائی در مسئله امامت منحصر به مسائل تاریخی نیست بلکه ریشه آن به نوع معرفت توحیدی و اقتضائات آن بر می‌گردد.

نتیجه

مصطفی طباطبائی حتی در تفسیر آیه ابلاغ به روش سیاق آیات نیز، نگاه جامع به آیات پیشین آن و ارتباط آن با آیه ولایت نداشته و اگر در تفسیر این آیه نگاه تاریخی و نقلی به وضعیت اهل کتاب در آخرین سال‌های زندگی پیامبر ص می‌نمود، آیه ابلاغ را به ذکر مسائل اهل کتاب و آیه اکمال دین و ناامیدی و یأس معاندان از نزول این آیه را به پاره‌ای از طعام‌های حرام تقلیل نمی‌داد. برای تفسیر قرآن با استفاده از سیاق آیات که مصطفی طباطبائی در تفسیر آیات امامت از آن استفاده نموده، شروطی از جمله ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول و نیز ارتباط موضوعی لازم است. با فرض اعتبار و اصالت سیاق، چنین توقیفی در صورتی دلیل وجود سیاق می‌شود که تنها علت آن، ارتباط سیاقی آیات باشد که باز دلیل متقنی بر این مدعا وجود ندارد. البته حتی اگر بین آیات یک سوره ارتباط صدوری هم وجود نداشته باشد در مدلول و مفاد یکدیگر تأثیر دارند ولی این تأثیر غیر از سیاق که از نوع قراین پیوسته است، بلکه از قراین ناپیوسته است. لذا علیرغم نزول مستقل آیات تبلیغ و ولایت و آیه اکمال دین با توجه به شواهد عقلی و نقلی، انسجام معنایی آیات پیشین و پسین آیه تبلیغ و آیه ولایت و آیه اکمال، نه تنها تضادی با ارتباط این آیات با ماجرای غدیر خم و ولایت و امامت امام ع ندارد، بلکه خود دلیلی محکم بر وجود چنین ارتباطی بر اساس سیاق آیات است. لذا حتی با فرض اعتبار و اصالت سیاق و چنین توقیفی آیات قرآن، نه تنها این آیات در موضوع امامت با سیاق آیات همخوانی دارد بلکه ارتباط مستقیمی با «آیه‌ی ولایت» ص ۵۷ مائده دارند و روایات

در حدّ تواتر در شأن نزول این آیات بر امامت امام علی ع دلالت دارد و بررسی روایات دیگر در کتب سیوطی نشان می‌دهد، سوره مائده به یکباره نازل نشده و آیه «اکمال دین» در روز غدیر خم نازل شده است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. ابن ابی عاصم، ابوبکر ص (۱۴۰۰ق)، السنّه، المكتب الاسلامی.
۲. ابن البطریق، حافظ (بی تا)، خصائص الوحی المبین، محقق: الشیخ مالک المحمودی، بی جا: دار القرآن الکریم، چاپ نگین.
۳. ابن المغزلی شافعی، علی بن محمد (بی تا)، مناقب، مجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ق)، مسند احمد بن حنبل، تحقیق شعیب الارنووط، عادل مرشد، چ اول، بی جا، موسسه الرساله.
۵. ابن حنبل، احمد (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابه، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۹۶۸م)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۷. ابن عساکر، علی بن الحسن (بی تا)، تاریخ مدینه دمشق، محقق: علی شیری، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۸. ابن مردویه، ابی بکر أحمد بن موسی (۱۴۲۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب (ص) و ما نزل من القرآن فی علی (ص)، قم: دارالحدیث.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، با تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چ ۳.
۱۰. ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، چ اول.
۱۲. آلبنانی، ناصر الدین (۱۴۱۲ق)، سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه، دار المعارف.
۱۳. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۴ق)، الغدیر، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. بابایی، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: زیتون، چاپ چهارم.

۱۵. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴ق)، *تفسیر البرهان*، بیجا: موسسه البعثه.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة.
۱۷. جرجانی، سید شریف (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، مصر: مطبعه السعاده.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۷ش)، *ولایت فقیه؛ رهبری در اسلام*، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
۲۰. حسکانی، حاکم (بی تا)، *شواهد التنزیل*، موسسه الطبع و النشر.
۲۱. حسینی طباطبائی، مصطفی (بی تا)، *بیان معانی در کلام ربّانی*، <https://archive.org/details>.
۲۲. حمویی جوینی، ابراهیم (بی تا)، *فرائد السمطین*، موسسه المحمودی.
۲۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. خوارزمی، الموفق بن احمد (۱۴۱۱ق)، *المناقب*، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
۲۶. سبجانی، جعفر (۱۳۹۷ش)، *تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن*، قم: انتشارات توحید، چاپ دوم.
۲۷. سبجانی، جعفر (۱۳۹۸ش)، *منشور عقائد امامیه*، قم: موسسه امام صادق، چاپ نهم.
۲۸. سبط ابن العوزی، شمس الدین (بی تا)، *تذکره الخواص*، بی جا.
۲۹. سنگلجی، شریعت (بی تا)، *کلید فهم قرآن*، موسسه انتشاراتی دانش.
۳۰. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور*، بیروت: دار الفکر.
۳۱. سیوطی، جلال الدین (۱۳۸۴ش)، *الاتقان فی علوم القرآن*، مترجم: مهدی حائری، تهران، موسسه امیر کبیر.
۳۲. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *جامع الاحادیث*، بیروت: دارالفکر.
۳۳. شعار، یوسف (۱۳۶۹ش)، *تفسیر آیات مشکلات*، بی جا.
۳۴. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا)، *المعجم الكبير*، محقق: حمدی بن عبد المجید، القاهرة: مكتبة ابن تیمیة .
۳۶. طبری، أبو جعفر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دار التراث
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *امالی*، قم: دارالثقافه، چاپ اول.
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الكبير صمفاتیح الغیب*، دارالفکر
۳۹. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن (بی تا)، *صحیح مسلم*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث .
۴۰. قلمداران، حیدرعلی (۱۳۳۹ش)، *ارمغان آسمان*، چاپخانه قم.
۴۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا)، *ینایع الموده لذو القربی*، دارالاسوه للطباعه والنشر المطبعة
۴۲. متقی هندی، علاء الدین (۱۴۰۱ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
۴۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا، ج ۲.
۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تصحیح سیدهاشم رسولی، مروی: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹ش)، *آموزش عقائد*، تهران: سازمان تبلیغات، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۶. نجارزادگان، (۱۳۸۳ش)، *تفسیر تطبیقی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۷. نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد (۱۴۲۱ق)، *سنن کبری*، بیروت: مؤسسه الرساله .
۴۸. واحدی نیشابوری، علی بن أحمد (۱۴۱۱ق)، *أسباب نزول القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.